



Revolution Studies
Volume 3, No. 6, Autumn & Winter 2025 (Serial 6)

Future scenarios of social hope in Iranian society

Auob nikunahad¹

zohreh mohammadi²

[Doi: 10.22034/fademo.2025.534442.1128](https://doi.org/10.22034/fademo.2025.534442.1128)

Seyyed Razi Emadi³

Abstract: This Social capital is a critical component of the soft power of political systems, significantly influencing a country's effectiveness in both domestic and foreign policy arenas. Social hope is a key dimension of social capital, reflecting the capacity to foster a shared belief among members of society that the future can be meaningfully different and better than the past. Various drivers contribute to shaping social hope within society. The primary objective of this study is, first, to identify these drivers and, subsequently, to address the central question: based on the identified drivers, what scenarios can be envisioned for the future of social hope in Iran?

This study adopts a foresight-oriented and exploratory approach. Methodologically, it combines two scenario-planning techniques - those proposed by Peter Schwartz and James Dator - for developing scenarios. The research instruments included semi-structured and structured questionnaires administered to experts, and the data were analyzed using MICMAC software.

The findings indicate that the interaction of these drivers allows for the construction of four plausible scenarios: a fragmented and vulnerable society (fragile and suspended society), a potential scenario of an anomic and disintegrated society (social collapse), and a desirable scenario of a balanced society.

Overall, the status of the drivers shaping social hope in Iranian society is far from optimal, primarily due to the dysfunctionalities within the political-social system. Accordingly, it is imperative that strategies aimed at promoting national unity and social cohesion be revisited and strengthened within policymaking institutions.

Keywords: social hope, Iranian society, future research, motivational science, scenario writing.

1. Assistant professor and faculty member of Khatam al-Anbia Air Defense University
anikunahad@gmail.com

1. PhD student of Shahid University zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

1. Assistant Professor and Faculty Member, Shahid Sattari Aviation University
sededraziemadi@gmail.com

سناریوهای آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی

ایوب نیکونهاد^۱

زهره محمدی^۲

سید رضی عمادی^۳

Doi: 10.22034/fademo.2025.534442.1128

چکیده: هدف سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم نظام‌های سیاسی است که وجود آن، بر نقش‌آفرینی یک کشور در عرصه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی تأثیر بسزایی دارد. امید اجتماعی یکی از شاخصه‌هایی شکل‌دهنده به سرمایه اجتماعی یک کشور است که بر توانایی ایجاد باوری مشترک در میان افراد جامعه مبنی بر اینکه آینده به‌طور مطلوب از گذشته متفاوت‌تر و بهتر است تعبیر می‌شود. پیشران‌های متعددی در شکل‌دهی به امید اجتماعی در بین افراد جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند که هدف پژوهش پیش رو نیز در گام اول شناسایی این پیشران‌ها و در مرحله بعد پاسخ دادن به این پرسش کلیدی است که بر اساس پیشران‌های شناسایی شده، چه سناریوهایی را می‌توان برای آینده امید اجتماعی در ایران ترسیم کرد؟ رویکرد اصلی پژوهش آینده‌پژوهانه و از نوع اکتشافی است روش پژوهش با بهره‌گیری از ترکیب دو روش سناریونویسی پیتروشوارتز و جیمز دیتور (در ترسیم سناریوها) انجام شده و ابزارهای آن پرسشنامه‌های نیمه ساختاریافته و ساختاریافته با خبرگان بوده و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار میک مک انجام شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که از برهمکنش پیشران‌ها می‌توان چهار سناریوی محتمل جامعه ناهموار و در معرض خطر (جامعه شکننده و معلق)، سناریوی ممکن جامعه آتومی شده و از هم گسیخته (فروپاشی اجتماعی) و سناریو مطلوب جامعه متعادل را ترسیم کرد. در مجموع می‌توان گفت که وضعیت پیشران‌های شکل‌دهنده به امید اجتماعی در جامعه ایرانی به علت کژکاری‌های سیستم سیاسی - اجتماعی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و لازم است در راهبردهای وحدت و انسجام اجتماعی کشور در دستگاه‌های سیاست‌گذار بازنگری لازم صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: امید اجتماعی، جامعه ایرانی، آینده‌پژوهی، پیشران‌شناسی، سناریونویسی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
anikunahad@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

۳. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.
ssededrazimadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال سوم، شماره ۶ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴ | صفحات ۷۴-۲۵۱

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

مقدمه

در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی امید اجتماعی یکی از شاخصه‌های توسعه اجتماعی و به‌عنوان یک عامل و انگیزه‌ای برای پویایی و حرکت جامعه به سمت و سوی آینده‌ای بهتر است. از منظر جامعه‌شناسی، سلامت و پویایی جامعه به افزایش سطح امیدواری بخش زیادی از اعضای آن جامعه بستگی دارد و وجود آن در جامعه علاوه بر آنکه می‌تواند منجر به خلق اعتماد اجتماعی شود می‌تواند در تعهد اعضای یک جامعه به ساختن آینده بهتر، تحمل و تلاش برای رفع دشواری‌های پیش‌روی آن جامعه، تحول‌خواهی، افزایش همگرایی و مشارکت آن‌ها در ساخت آینده‌ای بهتر و... راهگشا شود. در واقع، امید اجتماعی مبنای و شالوده اراده اجتماعی و هرگونه اقدام سیاسی در حال حاضر و در آینده یک جامعه و نظام سیاسی است که باعث تعلق خاطر و تعهد همه افراد جامعه برای رسیدن به مقصد مورد قبول و مورد توافق اکثریت اعضای آن جامعه و به تعبیری چشم‌انداز آن جامعه می‌شود؛ بنابراین امید به‌عنوان یک امر مهم در زندگی بشری ارتباط مستحکم و نزدیکی با آینده نیز دارد. آینده شامل تصاویر مثبت و خوشایندی است که افراد بشر در موضوعات مختلف درباره آن توافق دارند؛ به عبارت دیگر، افراد برای تصمیم‌گیری در امور مختلف تصاویری مثبت و خوشایندی از آینده می‌سازند و بر مبنای آن عمل می‌کنند. با این حال، صرفاً داشتن تصاویر مثبت و خوشایند از آینده، شرط لازم و نه کافی برای رسیدن به نقطه مطلوب و وضعیت بهتر در آینده است. برای رسیدن به این نقطه، افراد فراتر از تصاویر مثبت و خوشایند به مفهومی نیاز دارند که بتواند انگیزه تلاش و بهبود را ایجاد کند و راه رسیدن به وضعیت مطلوب را هموار سازد؛ و آن مفهوم چیزی جز «امید اجتماعی» نیست.

جامعه ایران در طول تاریخ معاصر حیات اجتماعی-سیاسی خود دوره‌های مختلفی از امیدواری و ناامیدی اجتماعی را پشت سر گذاشته است؛ بعد از دوره اول و دوم جنگ‌های ایران و روس و از دست دادن بخش زیادی از سرزمین‌های کشور با وجود بسیج مردمی و حضور گسترده آن‌ها در جنگ، دوره‌ای از ناامیدی بر حیات سیاسی اجتماعی آن‌ها سایه افکند و با نهضت تنباکو که منجر به لغو قرارداد رژی شده بود و اکثریت جامعه بر سر آن توافق کرده بودند احیا گردید. در دوران مبارزات انقلاب مشروطه امید اجتماعی برای ساخت جامعه‌ای دموکراتیک و قانونمند به اوج رسیده بود، ولی به دلیل تحقق نیافتن اهداف مدنظر انقلابیون مشروطه‌خواه بار دیگر ناامیدی اجتماعی بر جامعه حاکم گردید. مبارزات ملی شدن صنعت نفت و شکل‌گیری دولت مصدق نیز از جمله نقاط عطفی بود که امید اجتماعی را در جامعه ایران احیا کرده بود؛ با این حال، با وقوع کودتای ۲۸ مرداد، کورسوی امید اجتماعی برای تغییر از دست

رفت و تداوم دولت مطلقه پهلوی و اقداماتی همچون مدرنیزاسیون شتاب‌زده، حاکمیت استبداد و دیکتاتوری، دستاوردی به‌جز ناامیدی اجتماعی به دنبال نداشت.

پیروزی انقلاب اسلامی که یک چشم‌انداز آرمانی و تغییر اساسی در ساختارها، نهادها، ارزش‌ها و ... را نوید می‌داد یکی از نقاط عطف شکل‌گیری امید اجتماعی در حیات اجتماعی-سیاسی جامعه ایران است، اما باگذشت زمان و فاصله گرفتن از فضای آرمانی به علت وقوع مسائلی همانند شروع جنگ تحمیلی، خرابی‌های ناشی از جنگ، تحریم‌های اقتصادی و مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم، شکل‌گیری شکاف‌های اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی و اقتصاد متورم، ناآرامی‌های اجتماعی در یک چرخه ادواری، عدم برآورده شدن مطالبات اجتماعی در فرایندهای دموکراتیک، فقدان شایسته‌سالاری و ... بار دیگر زمینه‌های ناامیدی اجتماعی در جامعه ایران را فراهم کرده است به گونه‌ای که نگرانی درباره آینده و احساس بی‌آینده‌گی به یکی از ویژگی‌های نسل جوان ایرانی تبدیل شده است که این مسئله خود پیامدهای متعددی را برای نظام اجتماعی-سیاسی به وجود آورده است و در صورت بی‌توجهی به آن در برهه‌های حساس و سرنوشت‌ساز می‌تواند زمینه را برای فروپاشی اجتماعی فراهم نماید. گرچه پژوهشگران دانشگاهی کمتر به این مسئله پرداخته‌اند، بااین حال شواهد و قرائن بیانگر آن است که مسئله امید و امید اجتماعی به مسئله‌ای اساسی در جامعه ایرانی تبدیل شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که پیشران‌های سیاسی و حاکمیتی شکل‌دهنده به امید اجتماعی در جامعه ایران دربرگیرنده چه پیشران‌هایی است و با توجه به وضعیت پیشران‌ها چه سناریوهایی را می‌توان برای آینده امید اجتماعی در ایران ترسیم کرد؟ رویکرد پژوهش اکتشافی و از نوع آینده‌پژوهانه است و با بهره‌گیری از روش عدم قطعیت‌های بحرانی پیتروشوارتز به پرسش اصلی پاسخ داده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

باوجود اهمیت بالای مسئله امید اجتماعی در جامعه ایرانی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است. خانیکی و همکاران در کتابی با عنوان *امید اجتماعی: چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی* که برگرفته از همایش امید اجتماعی در ایران است، به گردآوری آثار آن همایش پرداخته‌اند. همچنین مکوندی و بهزادی در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «بازآفرینی امید اجتماعی با بهره‌گیری از الگوی حکمرانی جامع»، امیری اسفرجانی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «کاوش در امید اجتماعی؛ نظریه‌ای داده‌بنیاد»، طاهری دمنه و

کاظمی در پژوهشی با عنوان «خوانشی آینده‌پژوهانه از پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران» و یوسفی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین جایگاه امید‌آفرینی اجتماعی در راستای تحقق گام دوم انقلاب» از جمله آثاری هستند که در این حوزه به نگارش درآمده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در آن است که با رویکردی آینده‌پژوهانه، به شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر امید اجتماعی در ایران و ارائه سناریوهای آینده درباره‌ی این مسئله می‌پردازد.

۲. چهارچوب نظری

۲-۱. امید اجتماعی

در مورد تعریف مفهوم امید، اتفاق نظر یا تعریف واحدی از چپستی و چگونگی شکل‌گیری آن وجود ندارد. در حوزه‌های مختلفی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبیات و پزشکی، تعاریف گوناگونی از این مفهوم ارائه شده است. بر این اساس، امید ممکن است نوعی خاصی از نگرش شناختی شبیه «باورها و تمایلات»، یک «احساس»، یک «موقعیت یا ظرفیت» یک «فرایند یا فعالیت» یا ترکیبی از این موارد باشد. نظریات متعددی در حوزه امید اجتماعی مطرح شده است. اسنایدر امید را قابلیت ادراک شده برای دستیابی به مسیرهای منتهی به اهداف مطلوب و تشویق خود از طریق تفکر عاملی برای کاربرد آن مسیرها می‌داند. در تعریف اسنایدر در خصوص امید سه مؤلفه اصلی تفکر عاملی، تفکر در مسیرها و تفکر درباره اهداف که با یکدیگر مرتبط هستند وجود دارد (Snyder, 2002, PP. 249-275). آرنسون بر این باور است که امید صرفاً یک نگرش، یک حالت یا یک احساس نیست، بلکه ترکیبی منحصر به فرد از امور ذهنی و عینی است که ریشه در نیازها و آرزوها داشته و تلاش دارد تا جهان را تغییر دهد. از نظر او امید قدرت و احتمال است، یعنی مفهومی مبتنی بر قدرت درک و اقدام بر اساس موقعیت زمان حال که اهدافی همانند کاهش یا پایان دادن به نابرابری‌های اقتصادی، ایجاد امنیت در سالمندی، خاتمه فقر، گسترش حقوق و پایان دادن به انواع نابرابری‌ها را دنبال می‌کند (Aronson, 2017, P. 11). گرین نیز بر این باور است که امید اجتماعی که از تجربه ناشی می‌شود سبب تاب‌آوری در برابر مشکلات شده، با احساس امنیت نیز ارتباط دارد و در ارتباط با دیگران تعریف می‌شود از نظر او هدف امید در قالب توانایی برای دستیابی به دموکراسی مشارکتی با دیدگاهی آگاهانه از موفقیت قبلی و نقشه‌ای راه برای ادامه پیشرفت در آینده است که نیازمند چشم‌اندازی جهانی از یک زندگی عمیقاً دموکراتیک است (Stitzlen, 2009, P. 660).

مهم‌ترین دیدگاه‌ها در حوزه امید اجتماعی به ریچارد رورتی اختصاص دارد و مفهوم امید اجتماعی بیشتر با نام او و کتاب *فلسفه و امید اجتماعی* که به رشته تحریر درآورده پیوند خورده است. رورتی امید اجتماعی را وضعیتی غیرقطعی از بودن با قدرت تأثیرگذاری بر اقدامات فرد و در نتیجه، ظرفیت تغییر مسیر در نظر گرفته است. از نظر او امید اجتماعی یعنی: «باور به اینکه در آینده چه چیزی ممکن است به وقوع بپیوندد». رورتی، امید اجتماعی را «امید مشترک یک ملت» می‌داند؛ بدین معنا که یک ملت به چه آینده‌ای برای جامعه و سرزمین محل زیست خود باور دارد. او برای ارزیابی میزان امید اجتماعی در یک جامعه به این سازوکار می‌اندیشد که باید دید که آن ملت چه داستان و سناریویی را برای آینده خود در نظر می‌گیرد. این داستان یا سناریو مدنظر او از درون تاریخ یک ملت و گفتگوهای جمعی مردمان آن ملت در طی زندگی روزمره آن‌ها استنباط می‌شود. زمانی می‌توان از امید اجتماعی سخن گفت که داستان یا سناریوی آینده‌ای که یک ملت برای خود ترسیم می‌کند، رویکردی خوش‌بینانه داشته باشد. از نگاه رورتی خوش‌بینانگی نوعی عمل‌گرایی است و لزومی ندارد خوش‌بینانگی آن از نظر علمی اثبات شود. معیار اصلی برای واقع‌گرایی یا خوش‌بینانگی سناریو، متقاعدکننده بودن آن سناریو برای مردم است. از دیدگاه او امید اجتماعی، امیدی عملی است که فردای بهتر را دست‌یافتنی و حصول آن را به دست همین انسان معمولی ممکن می‌داند. در واقع، رورتی با مطرح کردن عاملیت انسانی در پی آن است که مسئولیت واقعی ساخت جامعه را بر دوش افراد آن جامعه قرار دهد و افراد جوامع انسانی را به این مسئله مهم متوجه نماید که پیشرفت و توسعه یک ایده اتوپیایی و دست‌نیافتنی نیست، بلکه تنها با امید به بهبود شرایط و تلاش در این زمینه است که می‌توان به آن دست یافت برجستگی دیدگاه رورتی در خصوص امید اجتماعی در چند مسئله نهفته است. اول اینکه از نظر او امید اجتماعی یک پروژه واقع‌گرایانه است که می‌تواند به بهسازی و بهبود شرایط اجتماعی تنها با آنچه انسان در اختیار دارد کمک کند. دوم اینکه از نظر رورتی امید اجتماعی ابزاری مفهومی است که نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از وضع کنونی با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌جویانه به آینده‌ای بهتر دست یافت. سوم آنکه، امید اجتماعی می‌تواند به شهروندان یاری رساند تا از وضعیت کنونی جامعه به سوی نقطه‌ای مطلوب، در راستای پیشرفت و بهبود اجتماعی، حرکت کنند. این امید همچنین مانع از شکل‌گیری یأس اجتماعی می‌شود؛ یأسی که غالباً حاصل رفتارهای هیجانی و غیرعقلانی در تلاش برای ایجاد تغییرات شتاب‌زده است. در حقیقت، امید اجتماعی بر آن است که تحول را به دست شهروندان و برای شهروندان رقم زند (رورتی، ۱۳۸۴، صص. ۹۸ - ۷۵).

با بهره‌گیری از ادبیات نظری در خصوص امید اجتماعی می‌توان این جمع‌بندی را ارائه کرد که مسئله امید اجتماعی و امید به آینده، یک مسئله واقعی است؛ چرا که هم دارای کارکرد است و با ایجاد انتظار درباره آینده‌های مطلوب، منجر به تصمیم‌گیری می‌شود. از سوی دیگر، امید معنای اصلی خود را در کاستی‌ها و رنج‌ها جستجو می‌کند و بدون کمبود و رنج، امید معنایی پیدا نمی‌کند. در نهایت، امید دارای ماهیتی دوقطبی ذهنی-عینی است؛ بدین معنا که امید، آینده‌های بهتر را در ذهن می‌سازد و احساس انتظار را برای رسیدن به آن آینده در ما ایجاد می‌کند، سپس ما را برای تحقق آن آینده و پاسخ به انتظاراتی ایجادشده به عمل وامی‌دارد (طاهری دمنه و کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۵۸).

۳. روش پژوهش

سناریو به معنای داستانی درباره آینده است که معمولاً شامل داستان‌هایی از گذشته و حال هم می‌شود (بل، ۱۳۹۲، ص. ۵۴۹) سناریونویسی ابزاری است برای نظم بخشیدن به درک و تصور کشورها، افراد و سازمان‌ها از محیط‌های بدیل آینده؛ محیط‌هایی که ذیل وضعیت‌های مطلوب، نامطلوب و میانه تعریف می‌شوند و تصمیم‌های اتخاذشده ممکن است در هر یک از آن‌ها تحقق یابد (شوارتز، ۱۳۹۰، ص. ۶). رویکرد پژوهش حاضر آینده‌پژوهانه از نوع اکتشافی است و از تلفیق دو روش سناریونویسی پیتر شوارتز و جیمز دی‌تور استفاده شده است. در بیانی ساده و عملیاتی، این روش شامل چند گام اصلی است. در گام نخست، پس از طرح موضوع، از طریق یک پرسشنامه نیمه ساختاریافته و با تکیه بر دیدگاه‌های خبرگان، پیشران‌های مرتبط با موضوع یا مسئله مورد نظر شناسایی می‌شوند. در گام دوم پس از شناسایی پیشران‌ها در یک ماتریس مقاطع اثرگذاری و اثرپذیری پیشران‌ها به صورت مقاطع مورد ارزش‌گذاری عددی از ۱ تا ۳ قرار می‌گیرد (۱) کمترین اثرگذاری و ۳ بیشترین اثرگذاری) در مرحله بعد، با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک، پیشران‌های کلیدی شناسایی می‌شوند. در گام چهارم، عدم قطعیت‌های بحرانی از میان پیشران‌های کلیدی استخراج می‌گردند و در گام پنجم، بر پایه برهم‌کنش این عدم قطعیت‌ها و با توجه به دو عامل خبرگی و تخصص، سناریوها تدوین و نگارش می‌شوند (شوارتز، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۶ - ۱۱۲). از ایرادهای اساسی روش پیتر شوارتز در سناریونویسی، نادیده گرفتن پیشران‌های اصلی شناسایی‌شده به دلیل محدود شدن و تمرکز صرف بر دو عدم قطعیت بحرانی در ساختار سناریوها و همچنین بی‌توجهی به شگفتی‌سازهاست. برای رفع این کاستی‌ها و به‌کارگیری همه پیشران‌ها در فرایند سناریونویسی، می‌توان از روش جیمز

دیتور در ترسیم سناریوها بهره گرفت. الگوی پیشنهادی دیتور در ترسیم سناریوها بر پایه سه سناریوی اصلی است. سناریوی استمراری که در آن وضع موجود ادامه پیدا می کند و روندها تحول عمده‌ای ندارند. سناریوی دوم سناریوی معجزه است (تصحیح وضع موجود) که در آن آینده‌ای که در آن فناوری، ساختار اجتماعی، ارزش‌ها، امکانات و... به‌طور بنیادین تغییر می کنند و چشم‌اندازی آرمانی یا نزدیک آن را فراهم می آورند و سناریوی سوم سناریوی فاجعه یا فروپاشی است که در آن ساختارهای کنونی به دلیل منابع محدود، بحران‌های ناشی از عدم تصحیح کژ کارکردی‌ها، تضعیف سیستم‌ها و... سبب‌ساز شکل‌گیری فاجعه خواهد بود (Dator, 2009, PP.1-18). جامعه آماری شرکت‌کننده در این پژوهش تعداد ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی است که به‌صورت هدفمند در دسترس شناسایی شده و به پرسشنامه‌های نیمه ساختاریافته پژوهش پاسخ داده‌اند.

۴. تحلیل داده

۴-۱. شناسایی پیشران‌های شکل‌دهنده به آینده امید اجتماعی در ایران

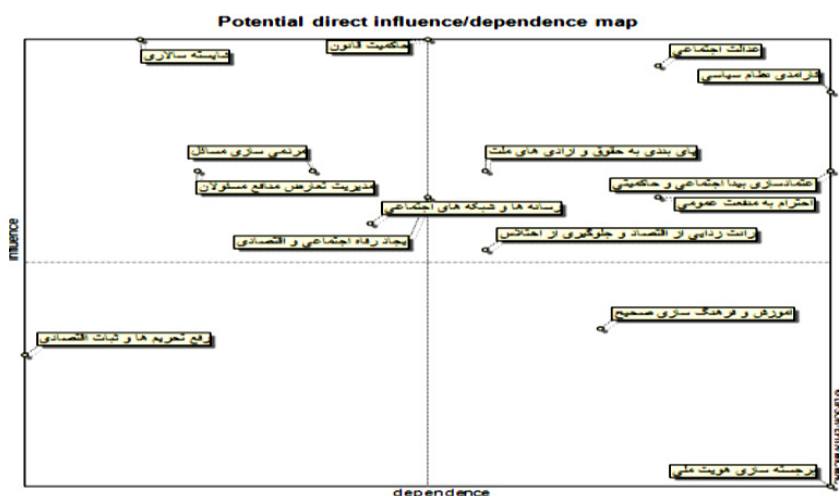
به جهت شناسایی پیشران‌ها، در ابتدا از تعداد ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی در قالب یک پرسشنامه کیفی نیمه ساختاریافته بر اساس مدل پیشران‌شناسی (SPRT) در مرحله اول درخواست شد تا پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی را بدون هیچ‌گونه محدودیتی در تعداد مشخص نمایند. در مرحله دوم پس از ادغام پیشران‌هایی که با یکدیگر همپوشانی داشتند مجموع برآیند نظرات خبرگان مجدداً به آن‌ها ارجاع داده شد تا نظرات تکمیلی خود را اعلام نمایند. در نهایت، با توجه به همپوشانی نظرات و ادغام آن‌ها با یکدیگر تعداد ۱۵ پیشران از میان نظرات خبرگان به دست آمد. در ادامه پیشران‌ها در جدول تحلیل تأثیرات متقاطع تنظیم و از خبرگان خواسته شد تا تأثیرات پیشران‌ها را بر یکدیگر ارزش-گذاری کنند (عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ کمترین تأثیر، عدد ۲ دارای تأثیر متوسط، عدد ۳ دارای تأثیر زیاد و درج P بیانگر تأثیرات بالقوه پیشران‌ها بر یکدیگر) است. میانگین نظرات خبرگان در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: جدول متقاطع پيشران‌ها و ميانگين نظرات خبرگي

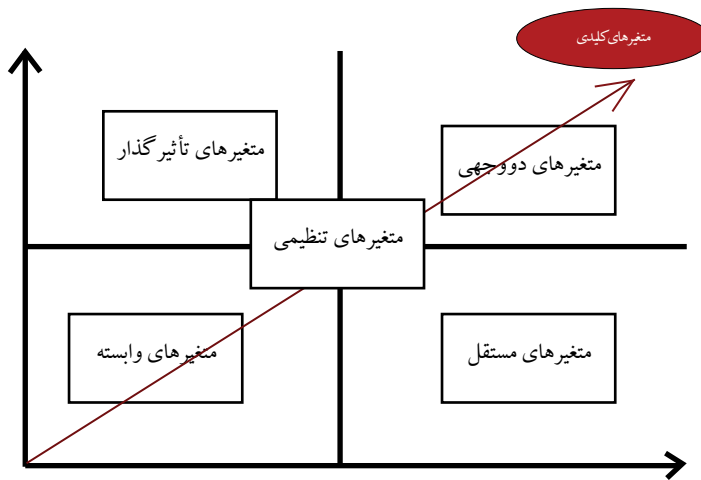
انگرذاري پيشران‌ها	عدالت اجتماعي	رفع تحريم و ثبات اقتصادي	اعتمادسازي بينا اجتماعي و بينا حكومتي	رسانه‌ها و شبكه‌هاي اجتماعي	پايندي و تاكيد بر حقوق و آزادي‌هاي ملت	مديريت تعارض منافع در ميان مسولين	احترام به منيفت عمومي	رانت زدائي از اقتصاد و جلوگيري از اختلاس	حاکميت قانون	برجسته‌سازي هويت ملي	آموزش و فرهنگ‌سازي صحيح	شايشه‌سالاري	ايجاد رفاه اجتماعي و اقتصادي	مردمي سازي مسائل	کارآمدی نظام سياسي
عدالت اجتماعي	۰	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
رفع تحريم و ثبات اقتصادي	۳	۰	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۲
اعتمادسازي بينا اجتماعي و بينا حكومتي	۲	۲	۰	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
رسانه‌ها و شبكه‌هاي اجتماعي	۳	۱	۳	۰	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۰	۲	۲
پايندي و تاكيد بر حقوق و آزادي‌هاي ملت	۳	۱	۲	۱	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
مديريت تعارض منافع در ميان مسولين	۲	۳	۳	۱	۲	۰	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
احترام به منيفت عمومي	۳	۳	۳	۲	۳	۲	۰	۲	۱	۳	۳	۲	۲	۱	۲
رانت زدائي از اقتصاد و جلوگيري از اختلاس	۳	۱	۳	۳	۳	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۱	۲	۱	۲
حاکميت قانون	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۰	۳	۳	۳	۳	۲	۳
برجسته‌سازي هويت ملي	۰	۲	۳	۰	۱	۱	۱	۲	۳	۰	۱	۳	۲	۲	۱
آموزش و فرهنگ‌سازي صحيح	۳	۲	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۱	۳	۱	۱	۲
شايشه‌سالاري	۳	۲	۳	۳	۳	۲	۳	۲	۳	۳	۳	۰	۳	۳	۲
ايجاد رفاه اجتماعي و اقتصادي	۳	۲	۳	۲	۳	۱	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۳
مردمي سازي مسائل	۲	۲	۳	۳	۳	۱	۳	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۰	۳
کارآمدی نظام سياسي	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۰

در مرحله بعد داده‌های به‌دست آمده در جدول متقاطع پیشران‌ها وارد محیط نرم‌افزار میک‌مک شده است. مهم‌ترین خروجی نرم‌افزار میک‌مک نمودار شناسایی پیشران‌های کلیدی است که در محیط این نمودار پیشران‌ها در چهار دسته پیشران‌های تأثیرگذار شمال غربی نمودار، پیشران‌های کلیدی در قسمت شمال شرقی نمودار، پیشران‌های مستقل در جنوب غربی نمودار و پیشران‌های تأثیرپذیر در قسمت جنوب شرقی نمودار نشان داده می‌شوند. کارکرد اصلی این نمودار هم در شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی است که این عدم قطعیت‌ها از میان پیشران‌های کلیدی بر اساس دو معیار اجماع و اهمیت شناسایی می‌شوند و از برهم‌کنش آن‌ها سناریوها ترسیم می‌گردند.

نمودار شماره ۱: تأثیرات مستقیم پیشران‌ها بر یکدیگر برگرفته از نرم‌افزار میک‌مک



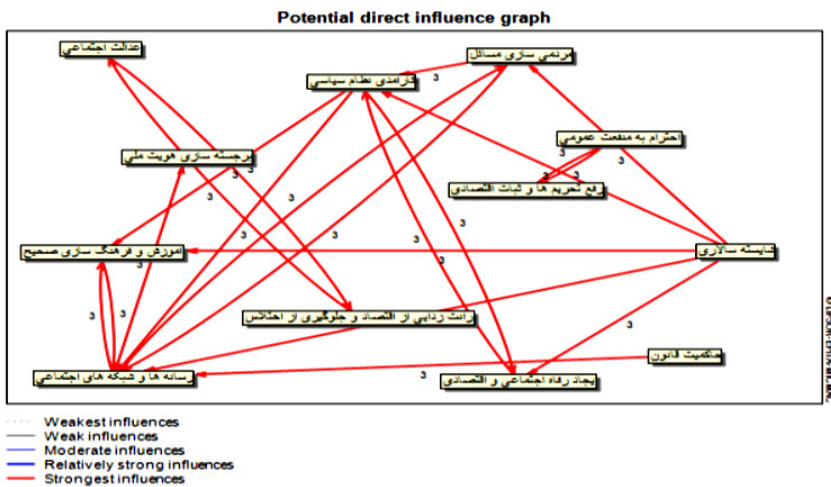
در نمودار شماره ۲ وضعیت قرارگیری هر یک از متغیرها در نرم‌افزار میک‌مک در تطبیق با نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.



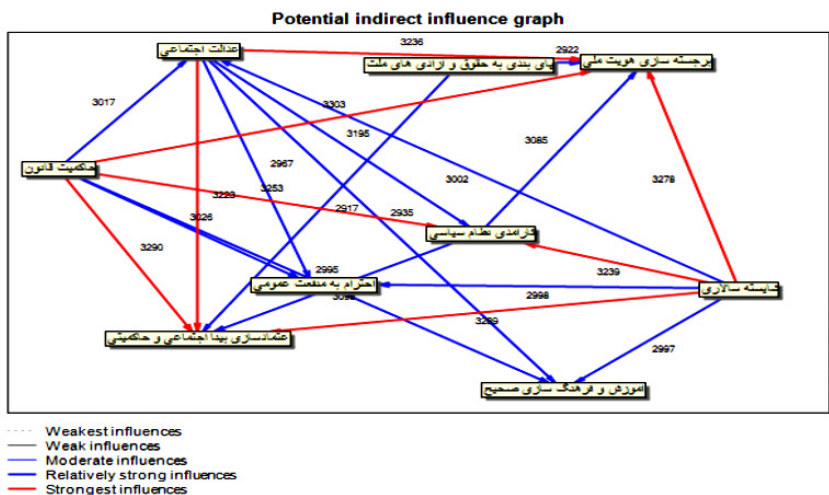
نمودار شماره ۲: تبیین جایگاه متغیرهای به دست آمده از نرم افزار

به جهت درک بهتر وابستگی پیشرانها و میزان اثرگذاری آنها بر یکدیگر و همچنین شناسایی پیشرانهای کلیدی که فضا را برای سناریونویسی فراهم می کند دو نمودار شبکه‌ای تأثیرات مستقیم بالقوه پیشرانها و تأثیرات غیرمستقیم و بالقوه پیشرانها بر یکدیگر استخراج شده از نرم افزار میک مک آورده شده است.

نمودار شماره ۳: تأثیرات مستقیم و بالقوه پیشرانها بر یکدیگر (منبع: نرم افزار)



نمودار شماره ۴: تأثیرات غیرمستقیم و بالقوه پیشران‌ها بر یکدیگر (منبع: نرم‌افزار)



در تبیین و توضیح دقیق‌تر نمودارهای ۱، ۳ و ۴ می‌توان گفت که پیشران‌های پایبندی به حقوق و آزادی‌های ملت از سوی حاکمیت، اعتمادسازی بیناجتماعی و بیناحاکمیتی، احترام به منافع عمومی جامعه از سوی حاکمیت، رانت‌زدایی از اقتصاد و نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان متغیرهای دوجویی شناخته می‌شوند؛ بدین معنا که این متغیرها دارای هم‌زمان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی هستند. مهم‌ترین گزاره‌ای که می‌توان بر اساس نمودار شماره ۱ و با توجه به الگوی استخراج پیشران‌های کلیدی (نمودار شماره ۲) بیان کرد، این است که دو پیشران عدالت اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی در زمره پیشران‌های کلیدی و تعیین‌کننده وحدت اجتماعی قرار می‌گیرند. متغیرهای تأثیرگذار، دوجویی، مستقل و وابسته نیز به‌شدت از این دو پیشران تأثیر می‌پذیرند (نمودارهای شبکه‌ای شماره ۳ و ۴ نیز این امر را تأیید می‌کنند). بر اساس این نمودارها، میان عدالت اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی با سایر متغیرهای مشخص‌شده، وابستگی و همبستگی بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بسیار بالایی وجود دارد و میزان تأثیرگذاری آن‌ها نیز - همان‌گونه که در نمودارها دیده می‌شود - بسیار قابل توجه است؛ بنابراین در راستای شکل‌دهی به فضای سناریویی، لازم است متغیرهای دوجویی و کلیدی مورد تحلیل و تبیین عمیق‌تر قرار گیرند.

۲-۴. تبیین و تشریح پیشران‌های دوجهی و کلیدی

۱-۲-۴. عدالت اجتماعی

یکی از مصادیق عدالت، عدالت اجتماعی است که حوزه آن پهنه اجتماع است. قلمرو بحث عدالت اجتماعی، محصور به حصار دولت - ملت است، یعنی سخن در ترسیم ساختار عادلانه جامعه‌ای است که دولت و سرزمین مشخص دارد و می‌خواهد همکاری اجتماعی درون آن جامعه و نهادهای موجود در آن و توزیع امکانات و فرصت‌ها و وظایف و حقوق بر اساس اصول و معیارهای عادلانه ترسیم شده باشد. براین اساس، شاخصه‌هایی همچون تأمین حقوق سیاسی-اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، لزوم برابری همه در برابر قانون، ضرورت قضاوت عادلانه، برابری فرصت‌های اجتماعی برای همه سطوح و تحقق حکومت عدل در جامعه از موارد عدالت اجتماعی است. مادامی که در جامعه‌ساز و کار درست و مشخصی برای توزیع درآمد، فرصت‌ها و امکانات و حقوق وجود داشته باشد امید افراد جامعه نیز بالا خواهد رفت و فرصت‌های برابر و نبود نا عدالتی‌ها باعث افزایش امید اجتماعی افراد خواهد شد (فیروزی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰). به عبارت دیگر، هنگامی که یک جامعه عادلانه است، افراد احساس می‌کنند که به مقدار و شیوه‌ای که باید، از منابع و فرصت‌ها بهره‌مند شده‌اند. این احساس عدالت در افراد، امید و اعتماد به نفس را در جامعه ایجاد می‌کند. اگر در یک جامعه، عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد و توزیع منابع، فرصت‌ها و حقوق ناعادلانه باشد، برخی افراد احساس خشونت، ناامنی و ناامیدی می‌کنند. این افراد احساس می‌کنند که نمی‌توانند به مقدار و شیوه‌ای که باید، از منابع و فرصت‌ها بهره‌مند شوند. این ناامیدی می‌تواند منجر به کاهش امید و اعتماد به نفس در جامعه شود (رعنائی و طالب پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۴)؛ بنابراین وجود عدالت اجتماعی در یک جامعه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و تقویت امید اجتماعی در جامعه عمل کند. همچنین افزایش امید اجتماعی به موجب توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها می‌تواند منجر به افزایش شادی، رضایت و سلامت روانی در جامعه شود. در نتیجه، برای ایجاد یک جامعه با امید اجتماعی، لازم است که عدالت اجتماعی در آن وجود داشته باشد و توزیع منابع، فرصت‌ها و حقوق در آن به صورت عادلانه انجام شود.

۲۶۳

۲-۲-۴. تأکید بر حقوق و آزادی‌های ملت

منظور از حقوق، برخورداری از حق است؛ حقی که شامل حق حیات، حق کار، حق زندگی کردن و مواردی از این دست می‌شود. این حقوق قابل اسقاط نیستند؛ به این معنا که هیچ کس نمی‌تواند بی دلیل این حقوق را از انسان سلب نماید. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با

طرح اصول مهمی به حقوق و آزادی‌های ملت در جامعه پرداخته و بخشی از وظایف حکومت و دولت را تأمین این حقوق می‌داند: ۱. آزادی افکار، عقاید و دین و مذهب: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ذیل اصل بیست‌وسوم، بر آزادی افکار، عقاید و دین و مذهب تأکید می‌کند. ۲. آزادی مطبوعات و نشریات: در حکومت‌های مردمی همچون جمهوری اسلامی ایران، مردم می‌توانند از دولت انتقاد کنند و نظرات اصلاحی خود را چه از راه قلم و چه از طریق احزاب و انجمن‌ها بیان نمایند. البته این آزادی نباید به هرج‌ومرج بینجامد و باید نقش ارشادی و اصلاحی خود را حفظ کند، نه اینکه به نقش تخریبی تبدیل شود. ۳. آزادی اجتماعات: در اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت». ۴. مساوات عموم در برابر قانون: در اصل مساوات بدین معناست که قانون نسبت به همه افراد یک طبقه، بدون استثنا یا تبعیض، اجرا می‌شود (امامی و شاکری، ۱۳۹۱، ص. ۷).

با وجود مترقی بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه حقوق و آزادی‌های ملت - که اجرای دقیق آنها می‌تواند امید اجتماعی را در میان اقشار مختلف جامعه افزایش دهد - در بسیاری از موارد، حاکمیت در تأمین و بسط این حقوق و آزادی‌ها کوتاهی کرده و غلبه دیدگاه‌های امنیتی در این حوزه مشهود بوده است. بی‌توجهی به تأمین و گسترش حقوق و آزادی‌های ملت می‌تواند زمینه را برای ایجاد یأس و ناامیدی اجتماعی فراهم کند و در موارد متعدد، اعتماد عمومی به حاکمیت را با آسیب‌های جبران‌ناپذیری مواجه سازد.

۳-۲-۴. اعتمادسازی بینا اجتماعی و بینا حاکمیتی

اعتماد نهادی یکی از اجزای اصلی دایره اعتماد اجتماعی است که به معنای مقبولیت و پذیرش عمومی افراد جامعه نسبت به نهادهای موجود در دو حیطه حاکمیتی و نهادهای مدنی است. افزایش و ارتقای اعتماد شهروندان به نهادهای حاکمیتی و مدنی، می‌تواند علاوه بر ایجاد انسجام و همکاری بین شهروندان و حاکمیت، سبب‌ساز کاهش فاصله و خنثی‌سازی شکاف‌های اجتماعی، افزایش سطح مشارکت شهروندان در پویش‌های سیاسی، کاهش مقاومت در برابر تصمیم‌گیری‌های نظام سیاسی و در مراحل بعدی افزایش امید اجتماعی افراد یک جامعه گردد (سردار نیا و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۰). در واقع، مفاهیمی همانند اعتبار، اعتماد، مشارکت و... از

مؤلفه‌های مهم شکل‌دهنده به قدرت نرم هر کشوری به شمار می‌روند. اعتماد نهادی که یکی از پیشران‌های شکل‌دهنده به امید اجتماعی است یکی از رسالت‌های نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود که تحقق این مهم از مطالبات رهبری انقلاب از دولت‌ها هم بوده است. ایشان بر این باور است که

مسئله احیای اعتماد مردم و امید مردم هم بسیار چیز مهمی است؛ چون اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه دولت است. مردم وقتی به شما اعتماد کردند و امید به شما داشتند، با شما راه می‌آیند و کمکتان می‌کنند؛ این بزرگ‌ترین سرمایه است برای دولت که بتواند اعتماد مردم را جلب کند که البته این متأسفانه یک مقداری آسیب دیده و بایستی ترمیم کنید این را و راهکارش هم این است که حرف و عمل مسئولین یکی باشد؛ وعده‌ای اگر به مردم دادید، طبق آن وعده اگر عمل کردید، مردم به شما اعتماد پیدا می‌کنند؛ اگر شما وعده کردید و عمل نشد یا گفتید فلان کار شده، مردم در واقعیت دیدند نشده، اعتماد مردم سلب می‌شود (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۶/۶).

بنابراین علاوه بر حضور بی‌واسطه مسئولان در بین مردم و درک دغدغه‌ها و مشکلات آنان، لازم است به وعده‌هایی که به ملت به جهت کسب حمایت و رأی آن‌ها در هنگام برگزاری انتخابات می‌دهند عمل کنند. علاوه بر بهره‌مندی از نظر و تجربه در حل کردن مشکلات جامعه و فراهم کردن زمینه‌های گفتگوی بین اجتماعی و بینا حاکمیتی لازم است که سطح زندگی کارگزاران و دولتمردان هم متناسب با سطح عادی مردم جامعه تنظیم شود تا مردم اعتمادسازی برای جامعه زمینه‌های امیدواری نیز پدیدار شود.

۴-۲-۴. رانت زدایی از اقتصاد و جلوگیری از سوءاستفاده از بیت‌المال

رانت و اختلاس یکی از اختلال‌هایی است که می‌تواند اقتصاد یک کشور را دچار فروپاشی سازد؛ رانت به معنای به دست آوردن منافع و سودهای غیرقانونی است؛ رانت‌ها می‌توانند نوعی از فساد در جامعه باشند که باعث ناامیدی و نارضایتی افراد از قدرت و عدالت در جامعه می‌شود. به‌عنوان مثال، در جامعه‌هایی که رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه وجود دارد، افرادی که پول، قدرت و رانت‌هایی را دارند، به‌عنوان برترین افراد در جامعه شناخته می‌شوند و برای دسترسی به این منافع، از روش‌های غیرقانونی و ناعادلانه استفاده می‌کنند. این افراد با تلاش کردن در جهت به دست آوردن رانت‌ها، به‌عنوان مثال، با پرداخت رشوه به مسئولان دولتی، به دنبال افزایش ثروت شخصی خود هستند. این کار باعث می‌شود که افراد دیگری که به دنبال پیشرفت و

توسعه در جامعه هستند، احساس ناامیدی کنند و تلاش برای رسیدن به اهداف خود را بیهوده بپندارند. در نتیجه، رانت‌ها می‌توانند باعث کاهش امید و اعتماد به نفس در جامعه شوند. برای افزایش امید اجتماعی در جامعه، باید تلاش کرد تا رانت‌ها و زمینه‌های سوءاستفاده از بیت‌المال کاهش یابند و فرصت‌های اقتصادی و شغلی برای همه افراد در جامعه فراهم شود. همچنین، ایجاد بستری از عدالت، شفافیت و رقابت سالم در جامعه می‌تواند به افزایش امید اجتماعی در جامعه کمک کند. به‌عنوان مثال، تدوین و تصویب قوانین و مقرراتی که از رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه جلوگیری کنند، به همراه یک سیستم قضایی قوی و مستقل، نهادینه‌سازی شفافیت و عدالت در جامعه در بستر نظام آموزشی و ارتقای سطح آگاهی افراد می‌تواند به افزایش امید اجتماعی کمک بسزایی کند.

اختلاس و رانت به‌عنوان جرائم اقتصادی شناخته می‌شوند که انجام آن‌ها به منفعت عامه و نظام اقتصادی کشور ضربات جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند (حاتمی و حاتمی، ۱۴۰۱، ص ۷). اگر افراد یک جامعه به تناوب شاهد اخبار ناخوشایند وجود رانت و اختلاس در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشند نمی‌توان توقع ایجاد امید اجتماعی را در بین آن‌ها داشت و اگر چنانچه نظام قضایی کشور هم برخورد قاطعانه‌ای با این مسئله نداشته باشد و اطلاع‌رسانی‌های لازم در خصوص عامل یا عاملان آن به افکار عمومی ارائه انجام ندهد علاوه بر ایجاد بدبینی اجتماعی، افراد جامعه به‌مرور زمان امید خود را نسبت به هرگونه حل مشکلات از سوی حاکمیت از دست خواهند داد و در نهایت، نتیجه‌ای جز ایجاد افسردگی و بی‌نشاطی اجتماعی و ناامیدی اجتماعی در پی نخواهد داشت.

مفهوم «منفعت عمومی» فارغ از مباحث اندیشه‌ای عصر روشنگری مبتنی بر دیدگاه‌های ژان ژاک روسویی یا جرمی بنتامی، در عصر جدید حکمرانی، یک مفهوم نسبی، اتفاقی، انعطاف‌پذیر و تحت تأثیر تغییرات زمان و مکان قرار دارد؛ دامنه شمول آن بسیار گسترده بوده و به بیشترین نسبت سهم عامه دلالت دارد (Morrison & Svennevig, 2002, P.1). در فرهنگ عبارات علوم سیاسی، منافع عمومی یا (خیر عمومی) «شامل هر چیزی است که خیر و منفعتی برای همه مردم داشته باشد و مردم به‌طور طبیعی در آن سهم داشته باشند» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۷، ص. ۴۳۱). در واقع، منفعت عمومی دربرگیرنده منافع عمومی یا جمعی هر جامعه و آن چیزی است که برای جامعه به‌مثابه یک کل خوب است (پورعزت، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۴). یا هر آن چیزی

که از نظر عامه دارای مطلوبیت است و نیازهای اساسی و مشروع شهروندان را برآورده می‌سازد (حاج‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۹).

در نظام جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن مقدمه و محتوای بسیاری از بندهای قانون اساسی، می‌توان گفت که «منفعت عمومی» روح قانون‌گذاری و غایت حکمرانی است (منصوریان و شیبانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲) و قانون‌گذار در فصل سوم قانون اساسی ذیل مباحث حقوق ملت در ابعاد مختلف اجتماعی (امنیت اجتماعی، رشد اجتماعی - فرهنگی و رفاه اجتماعی)، سیاسی (آزادی، استقلال، امنیت سیاسی و روابط خارجی)، اقتصادی (امنیت اقتصادی، رفاه اقتصادی و عدالت اقتصادی) و قضایی (امنیت قضایی و عدالت قضایی) بر آن تأکید کرده است (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۷). در دهه‌های اخیر به واسطه تغییر و تحولات محیطی که در حوزه نیازهای جامعه به وجود آمده است این مفهوم دربرگیرنده نیازهای جدیدی شده است که غالباً حکمرانی‌ها به علت عدم درک این تحولات در تأمین آن‌ها دچار کاستی‌هایی بوده‌اند. به‌عنوان مثال، نیاز جامعه به بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی جدید در بستر اینترنت بدون اعمال فیلترینگ از دسته مطالباتی است که با رشد فناوری‌های نوظهور به وجود آمده است و اعمال هر گونه محدودیتی خارج از ضوابط و مقررات قانونی سبب ایجاد نارضایتی و به تبع کاهش امید اجتماعی خواهد شد. در بسیاری از موارد در طی دهه‌های اخیر این تلقی به وجود آمده است که حاکمیت سیاسی به خیر و منفعت عمومی جامعه بی‌توجه یا کم‌توجه بوده یا در مقابل آن قرار گرفته است.

۶-۲-۴. کارآمدی نظام سیاسی

۲۶۷

کارآمدی، معمولاً همراه با کارایی استفاده می‌شود و با اثربخشی (میزانی که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده خود می‌شود) و تقرب به هدف هم‌معنی گرفته می‌شود. گاهی به معنای «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها یا انجام مأموریت» بیان شده است. این اصطلاح از چندین دهه گذشته از علم مدیریت به عرصه سیاست و حوزه علوم سیاسی وارد شده است و امروزه مورد توجه اندیشمندان علم سیاست قرار گرفته است، کارآمدی و مقبولیت و مشروعیت کلمه‌هایی هستند که ارتباط مستقیم با یکدیگر برقرار می‌کنند تا آنجا که کارآمدی را مشروعیت ثانویه بیان می‌نمایند. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. کارآمدی یکی از ابعاد به دست آوردن مشروعیت است؛ زیرا از طریق آن می‌توان رضایت مردم که منجر به مقبولیت آن است را کسب نماید. کارآمدی را می‌توان توانایی و قابلیت اداره نظام از سوی

کارگزاران و مسئولان در صورتی که رضایت مردم را به همراه داشته باشد، دانست. در نتیجه، کیفیت حکمرانی و انجام وظیفه در قبال مردم و کسب رضایت آنان اهمیت می‌یابد. همچنین نظام کارآمد عبارت است از نظامی که مبتنی بر ارزش‌ها و بینش‌های خویش، توانایی و قابلیت دارد با تکیه بر عوامل ایده‌ای، ساختاری و کارگزاری و رفتاری با در نظر گرفتن امکانات و موانع در عرصه‌های مختلف اهداف خویش را محقق سازد و جامعه را به سوی کمال مطلوب خویش سوق دهد (اخوان نیلچی و کشاورز، ۱۴۰۰، ص. ۷)؛ بنابراین وجود نظام سیاسی پویا و فعال که بتواند نقش خود را به درستی ایفا نماید، فضا را برای فعالیت مردم باز کند و این احساس را در بین افراد جامعه به وجود آورد که کارآمد است و هر اقدام آن در جهت منفعت عمومی است و به فکر مردم است باعث خواهد شد مردم از آن رضایت خاطر پیدا کنند و همین رضایت خاطر خود می‌تواند سرمنشأ امید اجتماعی باشد.

۷-۲-۴. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون، سنگ بنا و از ملزومات اصلی تنظیم روابط دولت و شهروندان به شمار می‌آید به گونه‌ای که این اصل الهام‌بخش مفاهیم و اصول مهم دیگری از قبیل اجتماع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، صلاحیت، عدالت، پاسخگویی و تفکیک قوا، کنترل و بازنگری قضایی و دیگر اصول مهم در زمینه حقوق اساسی و به‌طور کلی حقوق عمومی است. با حاکمیت قانون می‌توان به شاخصه‌ها و الزامات حکمرانی خوب دست یافت. حاکمیت قانون دارای دو وجه است: وجه اول مسئله این است که قانون‌پذیری به ویژگی فرهنگی شهروندان جامعه تبدیل شود و با تبدیل شدن به یک ویژگی عام، ضمانت‌های اخلاقی برای پابندی به آن مهیا گردد. نهادینگی این مسئله نیازمند توجه به سیاست‌گذاری‌ها از طریق آموزش و پرورش، رواج قانون‌گرایی در رسانه‌های دیداری شنیداری، چاپ کتب و سایر نشریات چاپی، برجسته‌سازی سود فردی و اجتماعی قانون‌پذیری و زیان‌های فردی و اجتماعی قانون‌گریزی به شهروندان است. وجه دوم مسئله نیز این است که مراجع و ارگان‌های تطبیقی و نظارتی بر تطبیق قانون، به وجه احسن، در جامعه بنیان‌گذاری شوند تا تخلفات احتمالی از قانون را مهار ساخته و جنبه عینی حاکمیت قانون را در جامعه به نمایش بگذارند (میرزایی و باقری فرد، ۱۳۹۸، صص. ۱۸-۲۰). یکی از تجلی‌گاه‌های حاکمیت قانون که با امید اجتماعی ارتباط و پیوند وثیقی دارد مسئله حکمرانی جامع بر اساس قانون و رعایت حقوق شهروندان است. در جامعه‌ای که شهروندان از حقوق برخوردار نباشند امیدوار هم نخواهند بود. جامعه‌ای امیدوار است که در آن با حاکمیت قانون در حوزه حکمرانی، حق اظهار نظر، آزادی بیان و پس از آن، پاسخگویی سیستم به مردم،

شفافیت، اثربخشی دولت، قوانین و مقررات مطلوب، مبارزه با فساد، شفافیت و ... وجود داشته باشد (مکوندی و بهزادی، ۱۴۰۰، صص. ۳۰-۱۸)؛ بنابراین حاکمیت وظیفه دارد با پایبندی به قانون و تأمین حقوق مردم، امید را به جامعه تزریق نماید.

۸-۲-۴. مردمی‌سازی مسائل

اساس و مبنای مدل دموکراسی‌های مشارکتی یا حداکثری، واگذار کردن جریان امور به مردم در حوزه‌های مختلف است. در این مدل از نظام‌های سیاسی، با ایجاد مکانیسم‌های ویژه، عموم مردم در فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توان دخالت، تصمیم‌گیری و مشارکت فعال دارند. بنابراین مردمی‌سازی با رفتار آگاهانه، خواست و پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مردم اهمیت می‌یابد؛ با این حال، قبل از اینکه اقتصاد، حکمرانی و سایر عرصه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی مردمی شود، باید مردم اهمیت و حساسیت موضوع را درک کنند. به عبارت دیگر، مردمی‌سازی با حساس‌سازی نسبت به موضوعات و مسائل صورت می‌گیرد؛ هرچقدر زمینه‌های مشارکت مردم آماده باشد، اگر مردم حساس و آگاه به حضور در عرصه تصمیم‌گیری و مشارکت نباشند، مردمی‌سازی راه به جایی نخواهد برد (شیرعلی، ۱۴۰۰، ص. ۹).

انقلاب اسلامی ایران هم به‌عنوان مردمی‌ترین انقلاب قرن بیستم، مبنای گفتگمانی و عملی خود را به سپردن و محول کردن همه امور به مردم گذاشته شده است و تبلور این مردمی‌سازی مسائل نیز در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام دیده می‌شود. با وجود این، واقعیت‌های حکمرانی و تجربه زیسته جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که در دهه‌های گذشته از سیاست‌های مردمی‌سازی در بسیاری از حوزه‌ها عدول صورت گرفته و مجرای امور به حاکمیت سپرده شده است که از جمله این حوزه‌ها می‌توان به عدم مردمی‌سازی اقتصاد کشور با وجود ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولتی شدن حضور فرهنگ علی‌رغم پشتوانه مردمی آن در طول تاریخ و ... اشاره کرد.

۹-۲-۴. مدیریت تعارض منافع در میان مسئولین

یکی از پیشران‌های که بر مسئله امید اجتماعی در جامعه تأثیر بسزایی دارد وجود تعارض منافع در میان مسئولین و مقامات حاکمیتی است. تعارض منافع اشاره به شرایطی دارد که در آن یک فرد با داشتن جایگاه حاکمیتی در موقعیت سوءاستفاده از یک ظرفیت رسمی برای کسب سود شخصی قرار دارد، گرچه هنوز اقدام به سوءاستفاده از موقعیت نکرده باشد. شاخصه‌هایی را برای سنجش تعارض منافع ذکر کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به پذیرش هدیه، مالکیت شرکت

خصوصی، تملک شرکت‌های دولتی، انعقاد قراردادهای دولتی از سوی مسئولان دولتی، اشتغال پسادولتی، تصاحب هم‌زمان منصب سیاست‌گذاری و منصب اجرای سیاست، مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری رسمی که بر منافع شخصی اثرگذار هستند، کمک به اعضای خانواده یا دوستان برای اشتغال در بخش دولتی اشاره کرد (مرتب و کشافی نیا، ۱۴۰۰، صص. ۲۹۵-۲۸۸). در واقع، تعارض منافع به موقعیتی واقعی یا ادراک شده اشاره دارد که فرد، منفعتی شخصی یا خصوصی داشته و این منفعت بر انجام بی‌طرفانه وظایف کاری او مثلاً به‌عنوان یک مقام دولتی، یک کارمند یا یک متخصص اثر بگذارد. وجود مسئله تعارض در میان مسئولان و آشکار شدن آن در افکار عمومی تأثیر منفی بسیار زیادی بر افکار عمومی دارد و حل فصل آن می‌تواند به ایجاد پاسخگویی بیشتر از حاکمیت، درستکاری در رفتار کارگزاران و عدم رفتار غیراخلاقی یا مفسدانه، ایجاد افزایش اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت، نشان دادن سطح بالایی از درستکاری و صداقت در رفتار مسئولین و... شود که همه این اهداف گوناگون در ایجاد امید اجتماعی در جامعه تأثیرگذار هستند.

۱۰-۲-۴. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

یکی دیگر از پیشران‌های تأثیرگذار بر امید اجتماعی در پارادایم جدید سیاست‌ورزی، نقش آفرینی رسانه‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی برخواسته از آن است. در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حاضر قوی‌ترین رسانه برخط (آنلاین) در دنیا به شمار می‌روند. این شبکه‌ها به دلیل تکثر و تنوع محتوایی و نیز قابلیت‌های متعدد نرم‌افزاری و اینترنتی، با استقبال گسترده‌ای از سوی کاربران مواجه شده‌اند. در واقع، این شبکه‌ها با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر، توان نقش آفرینی و تأثیرگذاری در محیط‌های مختلف اجتماعی و همچنین بر سیاست‌های رسمی را دارند (ضیایی و عقیلی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴). شبکه‌های اجتماعی کارکردهای متعددی دارند که یکی از آن‌ها، ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی است و همبستگی اجتماعی منشأ پیوندهای عاطفی، تعهد عام و امید اجتماعی است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با کاهش انزوای اجتماعی و تقویت احساس مشترک با اعضای جامعه، نوعی احساس تعلق را پدید می‌آورند که در آن، هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌ها قرار می‌گیرد، در نتیجه، تعهد عمومی تقویت شده و در پی آن امید اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد. بر اساس نظریه کاشت و چهارچوب‌سازی نیز وسایل ارتباط جمعی در بلندمدت در جهان‌بینی و نظام ارزشی بینندگان پر مصرف خود تأثیر گذاشته و به آن‌ها نگرشی واحد درباره

واقعیات می‌بخشند. از آنجایی که امید سازه‌ای شناختی است که با باورها، نگرش‌ها و احساسات و تلقی‌های فرد از خود و محیط پیرامونی ارتباط محکم دارد، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به مرور زمان نگرش و تلقی آن‌ها را نسبت به آنچه در اطرافشان در حال اتفاق افتادن است تغییر دهند. از این رو، رسانه‌ها می‌توانند تلقی‌ها و برداشت‌های مثبت و امیدبخش مخاطبان را با نوع اطلاعاتی که درباره‌ی رویدادها و مسائل زندگی به آن‌ها می‌دهند تقویت کنند؛ بنابراین رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با جلب اعتماد مخاطبان و سازمان‌دهی نگرش‌ها و دیدگاه‌های مخاطبان خود به‌نوعی زمینه‌ساز امید و امیدواری اجتماعی را در جامعه فراهم آورده یا برعکس آن نیز عمل نمایند (امامی و مهربانی، ۱۳۹۱، ص. ۹۰).

۵. سناریوهای آینده امید و شگفتی‌سازهای آن

۱-۵. سناریوهای آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی

در شرایطی که هر یک از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار توانایی تبدیل شدن به یک عدم قطعیت بحرانی را دارند و امکان انتخاب یک یا دو عدم قطعیت بحرانی بر اساس نظرات و دیدگاه‌های خبرگان به دلیل پیچیدگی محیط و مسئله وجود ندارد لازم است تا از برهم‌کنش پیشران‌ها با وضعیت‌های ممکن سناریوها ترسیم گردند. بر این اساس، همه متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار بر آینده امید اجتماعی در طی یک جدول ترسیم و نسبت به وضعیت‌های تداوم وضعیت موجود هر یک از پیشران‌ها، تشدید وضع موجود هر یک از پیشران‌ها و در نهایت تصحیح نسبی وضع موجود آن‌ها سنجیده شده است. تداوم وضع موجود محتمل‌ترین سناریوی در دسترس در خصوص آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی است. تشدید وضع موجود پیشران‌ها سناریوی ممکن آینده مسئله امید اجتماعی در جامعه ایرانی است و تصحیح نسبی وضع موجود پیشران‌ها سناریوی مطلوب آینده مسئله امید اجتماعی در جامعه ایرانی خواهد بود. در جدول شماره ۲ سناریوهای آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی به نمایش درآمده است.

جدول شماره ۲: سناریوهای آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی

وضعیت‌های ممکن مسئله			پیش‌ان‌ها
سناریوی معجزه/تصحیح وضع موجود	سناریوی فاجعه/تشدید وضع موجود	تداوم وضعیت موجود/ سناریوی استمراری	
سناریوی مطلوب: جامعه متعادل	سناریوی ممکن: جامعه‌آنومی‌شده/جامعه ازهم‌گسیخته/فروپاشی اجتماعی	سناریوی محتمل: جامعه ناهموار و در معرض خطر/ جامعه شکننده و معلق	
برقراری نسبی عدالت اجتماعی	تعمیق بی‌عدالتی اجتماعی	احساس بی‌عدالتی اجتماعی	عدالت اجتماعی
اثبات نسبی کارآمدی نظام سیاسی	اثبات ناکارآمدی نظام سیاسی	تردید در کارآمدی نظام سیاسی	کارآمدی نظام سیاسی
تحقق نسبی حقوق و آزادی‌های ملت	نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های ملت	کم‌توجهی به حقوق و آزادی‌های ملت	تأمین حقوق و آزادی‌های ملت
اعتمادسازی اجتماعی و حاکمیتی	شکاف عمیق در اعتماد اجتماعی و حاکمیتی	کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی	اعتمادسازی بینا اجتماعی و حاکمیتی
حاکمیت قانون	رواج قانون‌گریزی	شبه قانون‌گرایی	قانون‌گرایی
بستن منافذ رانت و اختلاس	تبدیل رانت‌گرایی به یک قاعده	وجود رانت در اقتصاد و اختلاس	رانت زدایی از اقتصاد
رواج نسبی شایسته‌سالاری	شایسته‌زدایی	ضعف در شایسته‌سالاری	شایسته‌سالاری
توجه به تأمین منافع عمومی جامعه	بی‌توجهی به منافع عمومی ملت	کم‌توجهی به منافع عمومی ملت	احترام به منافع عمومی ملت
واگذاری مسائل به مردم در فرهنگ و اقتصاد	حاکمیت‌گرایی و مردم زدایی	تلاش برای دولتی بودن و حاکمیتی شدن مسائل	مردمی‌سازی مسائل
حل و فصل نسبی مدیریت تعارض	تشدید تعارض میان مسئولین	وجود تعارض منافع در میان مسئولین	مدیریت تعارض میان مسئولین
رواج نسبی امیدواری و همبستگی	تشدید ناامیدی و خودتحقیری	ترویج ناامیدی و خودتحقیری	رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

۲-۵. شگفتی‌سازهای امید اجتماعی در جامعه ایرانی

یکی از کارکردهای پژوهش‌های مبتنی بر روش‌های آینده‌پژوهانه، یا به‌عبارت‌دیگر، روش‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها - که تکمیل‌کننده یکدیگر به شمار می‌روند - اکتشاف ناپیوستگی‌های بالقوه یا به بیان دقیق‌تر، شناخت شگفتی‌سازها است. در ادبیات آینده‌پژوهی که از شگفتی‌سازها با تعابیری همانند جابجایی‌ها، نقض‌کننده روندها، شوک‌ها و خردکننده پارادایم‌ها سخن به میان می‌آید (Mendonca at all, 2004, PP. 201-218) از آن‌ها به‌عنوان تغییرات عمده و چشمگیرانه که اغلب به‌صورت ناگهانی و انفجاری و ناپیوسته به وقوع می‌پیوندند و نقش مهمی در شکل‌بخشیدن به دنیای آینده دارند یاد می‌شود (Brooks, 1986, PP. 325-350). در واقع، شگفتی‌سازها مواردی هستند که کسی انتظار وقوع آن‌ها را ندارد؛ با این حال، در صورت وقوع می‌توانند روندهای گسترده و به‌ظاهر شکست‌ناپذیر را از مسیر خود خارج و منحرف سازند. به‌عبارت‌دیگر، شگفتی‌سازها یا ناپیوستگی‌ها، روندهای مسلط امروز نیستند، بلکه شکل‌دهنده‌های جامعه فردا به شمار می‌آیند. از نظر جان پترسن، شگفتی‌سازها رویدادهایی با احتمال وقوع پایین و تأثیرات بسیار زیاد هستند که به‌سرعت رخ می‌دهند و پیامدهایی گسترده و جاروکننده به همراه دارند. به باور او، شگفتی‌سازها همه را غافلگیر می‌کنند؛ زیرا چنان سریع اتفاق می‌افتند که نظام‌های زیربنایی اجتماعی قادر به پاسخ‌گویی مؤثر به آن‌ها نیستند (Petersen, 1999, PP. 86-93).

از نظر کورنیش نیز شگفتی‌سازی‌ها آن‌قدر قوی هستند که بسیاری از امور را زیرورو کرده و تفکر و برنامه‌ریزی اکثر مردم را دچار تغییرات بنیادین می‌کنند (Cornish, 2003, PP. 18-19). از نظر مندسا و همکاران ساز و کاری چهار مرحله‌ای برای شناسایی شگفتی‌سازها تعیبه شده است. گام اول شناسایی شگفتی‌سازها از طریق ابزارهایی همانند طوفان فکری، مصاحبه خبرگانی، نظرسنجی، معادل‌سازی تاریخی یا مراجعه به داستان‌های علمی-تخیلی است. گام دوم ارزیابی تأثیرگذاری نسبی شگفتی‌سازها بر مسئله یا جامعه هدف بر اساس سه محور تأثیرگذاری بر عامل‌های انسانی، سیستم‌های انسانی و پیامدهای اساسی آن‌هاست. گام سوم پایش شگفتی‌سازها بر اساس سه دسته شناخته شده معلوم، شناخته شده نامعلوم و ناشناخته نامعلوم است و گام چهارم نیز اقدام و نحوه مواجهه با شگفتی‌سازهاست (Mendonca at all, 2004, PP. 201-218) که این نحوه مواجهه با شگفتی‌سازها بر اساس روش‌های نوآورانه با داشتن ویژگی‌های تفکر سیستمی، آموزش خلاقیت، شهود، تفکر تداعی‌گرا و رؤیاپردازی می‌تواند در سه رویکرد مواجهه با شگفتی‌ساز در قالب‌های (نابودی شگفتی‌ساز قبل از جوانه زدن، کاهش آثار منفی شگفتی‌ساز و آغازی برای سازگاری با شگفتی‌ساز) بروز و ظهور کند (Glenn and Gordon, 2009, P. 10).

در جدول شماره ۳ پژوهش شگفتی‌سازهای تأثیرگذار بر آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی در قالب یک جدول نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳: شگفتی‌سازهای تأثیرگذار بر آینده امید اجتماعی در جامعه ایرانی

ردیف	شگفتی‌ساز	شیوه‌شناسایی	ارزیابی شگفتی‌ساز	پایش	اقدام
۱	وقوع یک جنگ فراگیر داخلی یا خارجی	خبرگانی	۱. تأثیرگذار بر عامل انسانی ۲. تأثیرگذار بر سیستم‌های انسانی ۳. دارای پیامدهای اساسی	شناخته شده نامعلوم	اقدام برای کاهش آثار منفی شگفتی‌ساز
۲	وقوع شوک بزرگ اقتصادی در اقتصاد ایران	طوفان فکری + خبرگانی	۱. تأثیرگذار بر عامل انسانی ۲. تأثیرگذار بر سیستم‌های انسانی ۳. دارای پیامدهای اساسی	شناخته شده نامعلوم	اقدام برای کاهش آثار منفی شگفتی‌ساز
۳	تغییر نظام سیاسی / تغییر بنیادین در رویکردها	خبرگانی	۱. تأثیرگذار بر عامل انسانی ۲. تأثیرگذار بر سیستم‌های انسانی ۳. دارای پیامدهای اساسی	شناخته شده نامعلوم	اقدام برای کاهش آثار منفی شگفتی‌ساز
۴	تحقق آرمان شهر موعود مهدوی	خبرگانی + معادلسازی تاریخی	۱. تأثیرگذار بر عامل انسانی ۲. تأثیرگذار بر سیستم‌های انسانی ۳. دارای پیامدهای اساسی	۱. شناخته شده معلوم ۲. ناشناخته نامعلوم	آغازی برای سازگاری با شگفتی‌ساز

نتیجه‌گیری

مسئله امید اجتماعی از جمله مسائلی است که می‌تواند در دستیابی یک جامعه به اهداف بلندمدت و چشم‌انداز آرمانی که برای خود ترسیم می‌نماید تأثیرگذار شود. در طی یک دهه اخیر این مسئله توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است؛ با وجود این، ادبیات این مفهوم در ایران آن‌چنان‌که مورد انتظار است مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش پیش‌رو با رویکرد آینده‌پژوهانه و اکتشافی و با بهره‌گیری از پرسشنامه خبرگانی پیش‌ران‌شناسی SPRT تلاش کرده تا پس از شناسایی پیش‌ران‌ها و تنظیم آن‌ها در جدول متقاطع به جهت سنجش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از یکدیگر، زمینه را برای تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار میک‌مک فراهم کرده است. پس از تعیین پیش‌ران‌های کلیدی فضا برای سناریونویسی

مهیا گردید و سناریوهای آینده مسئله ترسیم شدند. در مرحله بعد به جهت اتقان پژوهش، شگفتی‌سازهای مسئله امید اجتماعی در جامعه ایرانی نیز شناسایی و در قالب یک جدول تعیین شده است. بر اساس تحلیل داده‌های پژوهش در جمع‌بندی می‌توان گفت:

- بر اساس نمودار شماره ۱ پژوهش و وضعیت قرارگیری متغیرها در آن نمودار که تعیین‌کننده پایداری یا ناپایداری مسئله موردنظر است، می‌توان گفت که در سیستم‌های پایدار، وضعیت متغیرهای مسئله به شکل L انگلیسی است؛ با این حال، در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌ای برقرار است و متغیرها عمدتاً در دو ناحیه متغیرهای تأثیرگذار و دوجهی قرار دارند (نمودار شماره ۲)؛ بنابراین می‌توان گفت که مسئله امید اجتماعی در جامعه ایرانی در یک وضعیت ناپایدار قرار دارد.

- بر اساس مدل پیش‌رانشناسی SPRT و تحلیل نمودارهای شماره ۱، ۳ و ۴ می‌توان گفت که پیش‌رانه‌های اجتماعی- فرهنگی و پیش‌رانه‌های سیاسی بیشترین تأثیر بر مسائل امید اجتماعی در جامعه ایرانی دارند و متولی عمده این پیش‌رانه‌ها نیز نظام سیاسی است؛ بنابراین لازم است تا حاکمیت با طراحی راهبردهای سازنده و تأثیرگذار نقش بسزایی در احیای امید اجتماعی در پیش بگیرد.

- از برهم‌کنش پیش‌رانه‌های کلیدی و تأثیرگذار و بر اساس سه وضعیت تداوم روند پیش‌رانه‌ها، تشدید روند پیش‌رانه‌ها و تصحیح روندها سناریوهای محتمل، ممکن و مطلوب ترسیم شده است. اگر چنانچه روندهای موجود تداوم پیدا کند و نظام سیاست‌گذاری‌ها اصلاح نشود با توجه به تأثیرگذاری مسئله امید اجتماعی بر اهداف نظام اجتماعی- سیاسی، با یک جامعه ناهموار و در معرض خطر یا به عبارت بهتر با یک جامعه شکننده و معلق مواجه خواهیم بود.

۲۷۵

- از آنجایی که آینده با عدم قطعیت بسیار زیادی روبروست و شگفتی‌سازها می‌توانند در روندها و رویدادهای آینده (تحقق سناریوها) گسست ایجاد کنند و آینده را متفاوت‌تر از سناریوهای تصویر شده رقم بزنند؛ بنابراین شگفتی‌سازها نیز شناسایی شده‌اند. در صورت وقوع هر یک از شگفتی‌سازهای کلان شناسایی شده سناریوهای آینده نیز تحت‌الشعاع قرار خواهند گرفت و امیدواری یا ناامیدی اجتماعی بر اساس آن‌ها قابل‌تغییر و نوسان است.

- در جهت ارتقای سطح امید اجتماعی، نظام سیاسی می‌تواند اقدامات مختلفی در دستور کار خود قرار دهد. از جمله این اقدامات در تطبیق با پیش‌رانه‌ها می‌توان به بازنگری در حوزه عدالت اجتماعی، کارآمدسازی نظام سیاسی، توجه به مسئله حقوق و آزادی‌های ملت، اعتمادسازی اجتماعی و حاکمیتی، رانت زدایی از اقتصاد، مردمی‌سازی مسائل و... اشاره کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آقابخشی، علی‌اکبر و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۷). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- اخوان نیلچی، نفیسه و کشاورز شگری، عباس (۱۴۰۰). الگوی سنجش و ارزیابی کارآمدی انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۰(۴)، ۲۰۱-۲۰۱.
<https://doi.org/20.1001.1.23222573.1400.10.4.9.5>
- امامی، سید مجید و مهربانی، حسین (۱۳۹۱). امید و رسانه. تهران: مرکز پژوهش‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- امامی، محمد و شاکری، حمید (۱۳۹۱). کنکاشی در مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی. نشریه حقوق اساسی، ۹(۱۸)، ۵۲-۲۳.
https://www.asasimag.ir/article_104274.html
- امیری اسفرجانی، زهرا، هاشمیان فر، سید علی و قاسمی، وحید (۱۳۹۸). کاوش در امید اجتماعی، نظریه‌ای داده‌بنیاد، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۱)، ۵۱-۲۷.
<http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3083-fa.html>
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی. تهران: نشر مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۰). مبانی مدیریت دولتی. تهران: سمت.
- پورعزت، علی‌اصغر، دمرچی‌لو، مریم و کیانی، پاک‌نوش (۱۳۹۷). شاخص‌های مفهوم‌پردازی از اصطلاح «منفعت عمومی» بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی، ۱(۲)، ۲۴-۱.
https://www.jipas.ir/article_84213.html
- حاتمی، محمد و حاتمی، کاظم (۱۴۰۱). اختلاس در اموال دولتی. تهران: گنجور.
- حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۳). بررسی مفهوم منفعت عمومی. تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.
- خانیکی، هادی و همکاران (۱۳۹۸). امید اجتماعی: چیستی، وضعیت و سبب‌شناسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۴۰۰/۶/۶). بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت سیزدهم. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588>
- رعنائی، محمد و طالب پور، مهدی (۱۳۹۳). *عدالت و ابعاد آن*. تهران: انتشارات حسنی.
- رورتنی، ریچارد (۱۳۸۴). *فلسفه و امید اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری، تهران: نی.
- سردار نیا، خلیل اله، بدری، کوروش و امینی زاده، سینا (۱۴۰۰)، رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۶)، ۱۰۱-۱۲۷. <https://doi.org/10.22054/qps.2020.49810.2449>
- شوارتز، پیتر (۱۳۹۰). *هنر دورنگری؛ برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت*. تهران: نشر مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۰). *مفهوم شناسی مردمی سازی حکمرانی*. فصلنامه حکمرانی متعالی، ۲(۴)، ۳۰-۱۱. https://hm.sndu.ac.ir/article_1987.html
- ضیایی پور، حمید و عقیلی، وحید (۱۳۸۹). بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی. فصلنامه رسانه، ۸۰، ۲۳-۴۲. <https://noo.rs/LdyLS>
- طاهری دمنه، محسن و کاظمی، معصومه (۱۳۹۹). خوانشی آینده‌پژوهانه از پروبلماتیک امید اجتماعی در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۹(۳)، ۳۰، ۴۹-۸۰. <https://ensani.ir/fa/article/456219>
- فیروزی، آیت‌الله (۱۴۰۰). *چالش‌ها و راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی*. تهران: انتشارات دانش‌بنیان معاصر.
- مرتب، یحیی و کشافی نیا، وحید (۱۴۰۰). *تعارض منافع در بخش عمومی*. تهران: انتشارات شفافیت و پیشرفت.
- مکوندی، فواد و بهزادی، عبدالکریم (۱۴۰۰). بازآفرینی امید اجتماعی با بهره‌گیری از الگوی حکمرانی جامع. فصلنامه تعالی منابع انسانی، ۲(۲)، ۱۸-۴۰. <https://noo.rs/dfUmx>
- منصوریان، ناصرعلی و شبیبانی، عادل (۱۳۹۵). مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانون‌گذاری ایران. دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۱(۷۵ و ۷۶)، ۱۴۲-۱۱۷. <http://jlviews2.ujsas.ac.ir/article-1-758-fa.html>
- میرزایی، امین و باقری فرد، امیر (۱۳۹۸). *تأثیر مراجع متعدد قانون‌گذاری بر تحقق حاکمیت*. تهران: قانون دنیا.

•.....
- یوسفی، رسول (۱۳۹۸). تبیین جایگاه امیدآفرینی اجتماعی در راستای تحقق گام دوم انقلاب. مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، شماره پیاپی ۱.

<https://noo.rs/ACM4b>

- Aronson, R. (2017). *We: Reviving Social Hope*. Chicago: University of Chicago Press.

- Cornish, E. (2003). The Wild Cards in our Future. *The Futurist*, 37(1), 18-22.

- Dator, J. (2009). Alternative futures at the Manoa School. *Journal of Futures Studies*, 14(2), 1-18. [https://doi.org/10.6531/JFS.2009.14\(2\).A1](https://doi.org/10.6531/JFS.2009.14(2).A1)

- Glenn, J. C. & Gordon, T. J. (Eds). (2009). *Futures research methodology (Version 3.0)*. The Millennium Project.

- Brooks, H. (1986). The typology of surprises in technology, institutions, and development. In W. C. Clark & R. E. Munn (Eds.), *Sustainable development of the biosphere* (pp. 325-350). Cambridge University Press.

- Mendonça, S. Cunha, M. P. Kaivo-oja, J. & Ruff, F. (2004). Wild cards, weak signals and organisational improvisation. *Futures*, 36(2), 201-218.

[https://doi.org/10.1016/S0016-3287\(03\)00162-9](https://doi.org/10.1016/S0016-3287(03)00162-9)

- Morrison, D. & Svennevig, M. (2002). The public interest, the media and privacy: A report for British Broadcasting Corporation. British Broadcasting Corporation. <http://downloads.bbc.co.uk/guidelines/editorialguidelines>

- Petersen, John L. (1999). *Out of the Blue-How to Anticipate Big Future Surprises*. Lanham: Madison Books.

- Snyder, C. R. (2002). Hope theory: Rainbows in the mind. *Psychological Inquiry*, 13(4), 249-275. https://doi.org/10.1207/S15327965PLI1304_01

- Stitzlein, S. M. (2009). Reviving social hope and pragmatism in troubled times. *Journal of Philosophy of Education*, 43(4), 657-663.

<https://doi.org/10.1111/j.1467-9752.2009.00692.x>